

پشت جبهه سلطنت گروگان

— نهم —

غفلت عام و احساسی ننگ

امیر فیض - حقوقدان

اسناد مبارزه نشان میدهد که سلطنت طلبان بطور کلی در مقابل اظهارات احمد مدنی بنقل قول از احمد قریشی مبنی بر اینکه «رضاپهلوی دیگر ادعائی ندارد» که کیهان لندن آنرا در شماره ۲۹۷ بازتاب داد با یک غفلت عام بسیار سنگین روبرو بودند، و واکنش موثر و لازمی از خود نشان ندادند، خاصه به اینکه روزنامه کیهان لندن عامل انتشار این خبر بود، و آن روزنامه یک روزنامه موافق با تداوم سلطنت نبود.

موضوع اعلام شده از سوی احمد مدنی با پشتوانه نقل قول از احمد قریشی یک امر کوچک و خبری اهمیتی نبود که کیهان لندن بدون نیاز به اثبات اصالت خبر، چه از نظر ذات و محتوای خبر و چه از نظر ناقل خبر به انتشار آن مبادرت کند.

همکاری کیهان لندن با انتشار این خبر از آنجا که کیهان لندن از همراهان سیاست آمریکا در شورش ۵۷ ایران بود و هست و لاجرم در جریان مخالفت وزارت خارجه آمریکا با انتقال سلطنت به ولیعهد ایران نمیتوانست بی نقش بوده باشد، منتظر فرصتی بود که به طرح هنری پرشت جنبه عملی و اجرائی بدهد که با انتشار خبر مزبور این کار را صورت داد.

یادمان باشد که وزیری سردبیر کیهان لندن در پایان مصاحبه ای با اعلیحضرت گفت «رضای پهلوی خودش، خودش را شاه میداند» بنابراین کیهان لندن با این سابقه در نقطه ای قرار دارد که میتوان ترصد او را برای جا انداختن طرح هنری پرشت تائید کرد.

اهمیت خبر مزبور

*** اهمیت خبر مزبور، متوجه انتقال خبر تسلیم اعلیحضرت به فرزندم سال ۵۸ و پایان نظام سلطنتی ایران از طرف شخص اعلیحضرت است؛ زیرا ماهیت آن خبر منقوله میتواند به آنجا کشیده شود که اعلیحضرت بعد از ۷ سال مقاومت در مقام سوگند سلطنت بالاخره در سال ۶۹ به روال شورش ۵۷ و پایان رژیم سلطنتی ایران قانع شدند و بوسیله احمد قریشی ادعای سلطنت را از خودشان ساقط فرمودند

(از نظر حقوقی عنوان ادعا برای کسی که سالها برحقی مستقر است درست نیست بلکه درست آن اعراض از حق است).

****** اهمیت دیگران، در ماهیت حق سلطنت است که آن حق شخصی نیست که شاه بتواند از پاسداری از آن اعراض کند. سلطنت حق نیست امانت و موهبت الهی است، بتصریح در قانون اساسی مشروطه ایران. بنابراین شاه مکلف به حراست از آن امانت است و حق اعراض و امثال آنها را ندارد مگر به ترتیبی که قانون اساسی مشروطیت مقرر کرده.

****** در نقل قول احمد مدنی از احمد قریشی توجهی به ماهیت سلطنت نشده است، و حتی آن کمتر از موقعیت یک دست لباس گرفته شده، زیرا لباسی را که کسی سالهاست برتن دارد و یا موروثه است آن لباس حق و مال او محسوب است و ادعا نیست و فقط اعراض است که میتواند آنرا بلاصاحب سازد.

تانی برای جا انداختن طرح هنری پرشت

****** عقیده بر این است که آنچه در بالا عرض شد احمد مدنی و کیهان لندن و احمد قریشی کاملا میدانستند و اگر بجای واژه اعراض ادعا را بکار برده اند، علاوه بر استقبال از عبارت در طرح هنری پرشت خواستند اعتبار طرح مزبور را هم منظور داشته باشند چرا که اگر از عبارت عدول و یا اعراض اعلیحضرت از سلطنت استفاده میکردند مفهومش این بود که لااقل ۷ سال علیرغم طرح هنری پرشت، اعلیحضرت تداوم سلطنت را حراست و پاسداری کرده اند در حالیکه وقتی از عبارت ادعا استفاده شده مفهومش این است که از ابتدای طرح یعنی سال ۵۸ اعلیحضرت در موقعیت ادعا قرار داشته یعنی همان ادعائی که وزارت خارجه آمریکا استفاده از آنرا برای اعلیحضرت تحریم کرده است و در عبارت دیگر طرح ممنوعیت انتقال سلطنت به ولیعهد از همان زمان تصویب در وزارت خارجه آمریکا در جریان اجرای بدون وقفه و مخالفت قرار داشته است.

****** از این حیرت و تاسف عمیق نمیتوان غافل ماند که در آن زمان که احمد مدنی نقل قول از احمد قریشی را در کیهان لندن منتقل عام کرد، حتی یک روزنامه و دستگاه خبری به اصالت خبر روزنامه کیهان تردیدی روا نکرد و یکسره در مجرای تائید خبر قرار گرفت و باشتاب فوق العاده مورد قبول و تاسی ایرانیان خارج خاصه صاحبان رسانه ها قرار گرفت (تحریرات قبل و نقش قاضی سعید).

****** سنگرم از این غفلت بدور نبود گرچه در شماره ۶۶+۳۳۲ مقاله نسبتا مفصلی ارائه داد ولی متاسفانه

از این نکات اساسی زیر غافل ماند:

۱- هیچ سند و سابقه ای وجود نداشت که نشان دهد احمد قریشی از جانب اعلیحضرت نمایندگی اعلام چنین مطلب مهمی را دارد.

۲- چه دلیلی وجود دارد که احمد قریشی چنین مطلب مهمی را به احمد مدنی گفته باشد. احمد مدنی که عنوان <کارگزار و یار جان برکف امام خمینی> را برای خود برگزیده بود کسی بود که مخالفت

او با سلطنت و طرفداری از جمهوری اسلامی شهره عام بود دلیلی نبود که احد قریشی چنین مطلبی را با او در میان بگذارد.

۳- اعلام چنین مطالبی معمولاً بایک مصاحبه و همراه توضیحاتی بعمل می‌آید نه پیغام و پس خوان آنهم از سوی یکی از مخالفین برجسته و مشهور سلطنت. آیا این جریان گویای یک وضع غیر عادی و احتمالاً یک تبانی نیست؟

۴- درست است، که در توافقات، آنکه پیروزاست و توافق بنفع اوست، سخنگویی توافق را عهده دار میشود ولی در این مورد هیچ سند و حتی اعلام شفاهی نشده که بین احمد قریشی و سید احمد، جان برکف، در موضوع توافق شده باشد که حاصل آن اعلام کذائی سید احمد، جان برکف، از طرف قریشی باشد.

۵- مطلب مزبور یکی از اساسی ترین مسائل مبارزاتی است؛ نمیتواند بدون گفتگو و تنظیم صورت جلسه و شرط و شروطی، بیک جمله ختم شده باشد.

۶- طرح هنری پرشت و پیامد های آن از جمله همین اعلام نقل قول شده از احمد قریشی فعالیت سلطنت طلبی را در مقابل جمهوری اسلامی بکلی قفل و متروکه ساخت، ارتشیان رابی فرمانده و قانون اساسی مشروطیت را بدون نگرهبان و سنت احترام و وفاداری به شاه را معلق ساخت و عجیب اینجاست که این مهمات اصلاً به توجه سلطنت طلبان که رگ حیات سیاسی آنها را وزارت خارجه آمریکا زده است نیامد.

۷- سی و اندی سال است که سلطنت طلبان باهدف نجات ایران خودنما شده اند در حالیکه نجات، در فعالیت سیاسی متوجه هویت سیاسی کشور است نه هویت طبیعی ایران و از آنجا که هویت سیاسی ایران در ۲۵ قرن گذشته و از ابتدای موجودیت ایران پادشاهی و تداوم آن بوده، متأسفانه سلطنت طلبان نخواستند به اهمیت گروگان بودن سلطنت و محرومیت سیاسی اعلیحضرت از نمایندگی تداوم سلطنت پی ببرند و به همان عبارت نجات ایران دل خوش کرده اند.

اتهام یشت اتهام

*** در طول سی و چند سال مبارزه هرانتقادی که تصور شود متوجه اعلیحضرت شد و آخرین نوبت، آن دریدگی های بیسابقه بود که همراه کلی اتهام های بسیار زشت و اهانت ها از سوی گروهی مدعی سلطنت طلبی در سهم اعلیحضرت! قرار گرفت ولی لام تا کام حتی یک اشاره به مداخله ناموجه وزارت امور خارجه آمریکا در جلوگیری از حقوق سیاسی و تداوم سلطنت اعلیحضرت نکردند. همه قسم انجام وظائف سلطنت را از اعلیحضرت خواستیم بدون اینکه به روی مبارک خودمان بیاوریم که آمریکانیها ایشان را تحریم سیاسی کرده اند، آمریکانیها قائل به شخصیت سیاسی و اعتبار ملی برای ایشان نیستند، آمریکانیها علیه تداوم سلطنت جبهه گیری کرده اند و ما ایرانیان غافل هم درک مبحث نمیکنیم که از یک فرد عادی تحت گروگان و تحریم سیاسی نمیتوان خواستار اقداماتی شد که قانون اساسی تحقق آنرا در اختیار شاه قرار داده است.

تابخواهی سازمان سلطنت طلب درست شد یکبارفکر نکردیم وقتی پادشاه ما گروگان است، تحریم فعالیت سیاسی است، حال که تمام اطرافیان اعلیحضرت راجاسوسان بیگانه گرفته اند، درحالیکه میدانیم راه نجات ایران فرماندهی شاه وقرارداشتن اعلیحضرت درموقعیت قانون اساسی است ولی کوچکترین توجهی به مشکل پیش روی مبارزه نداریم وانگارنه انگارمرتبا کرکری میخوانیم.

**** ما اصلا نخواستیم بفهمیم که تهدید اعلیحضرت و خانواده سلطنت در طرح هنری پرشت چه معنایی دارد و تاچه حد موثر در بازماندگی ایشان از تکالیف سلطنت است و این درحالی است که نسبت به خودمان خیلی خوب و حساس درک موقعیت میکنیم و در مقابل تهدید و یا تحریم هائی حساس و زود تسلیم هستیم. برای دریافت مستمر حقوق بازنشستگی و یا امکان رفتن به ایران خود را به مبارزه نزدیک نمیکنیم - همه ما که در کار مبارزه هستیم اگر بایک اخطار سازمان های اطلاعاتی آمریکا روبرو شویم جا خواهیم زد ولی در عین حال هیچ سهمی از این تهدیدات و تحریم ها برای اعلیحضرت قائل نیستیم.**

شهود رسوائی

**** در یک برنامه از آقای سکونی دیدم که سخت اتهاماتی را متوجه اعلیحضرت ساخته بود، دقت کردم ببینم که آیا اشاره ای به طرح هنری پرشت و گروگان بودن سلطنت و مقید بودن اعلیحضرت در چهارچوب تحریم سیاسی میکند، که البته انتظار بیهودی ای بود و خیر نکردند، زیرا رسانه های گروهی و بیشتر دست اندر کاران، ترجیح میدهند که خط قرمز سیاست آمریکا نسبت به اعلیحضرت را رعایت کنند خیلی وقاحت و نامردی میخواهد که انسان بداند که فرماندهش در اسارت و گروگان وزارت خارجه آمریکاست و حق فعالیت سیاسی در تکلیف قانونی خود را ندارد معهذا اورا بباد تحکم بکشد.**

تیمسار روحانی

در برنامه آقای شهرام همایون و تیمسار روحانی دیدم که روحانی که مدعی بود بعد از اعلیحضرت همه توجهات و امید مردم به اوست مدعی شد که <رضاپهلوی نمیخواهد کسی را دعوت به همکاری کند و مایل است خودش مطرح باشد>.

تیمسار روحانی که یک نظامی است لابد این را میداند، کسی که گروگان است و در تحریم سیاسی کشور دیگری و با قدرتی قرار گرفته انتخاب خدمه و همکار و مشاور و نگهبان با شخص گروگان شده نیست با قدرت گروگان گیر است، چه کسی میتواند ادعا کند که کسانی که اکنون در خدمت سیاسی اعلیحضرت هستند منتخب خودشان میباشند. آیا دیده اید که شخص گروگان، نگهبان و منشی خودش را خودش انتخاب کند.

تیمسار روحانی با آنکه دقیقا از طریق تیمسار اقصی در جریان طرح هنری پرشت قرار گرفت در تمام مدت کوچکترین اشاره ای به طرح مزبور و سلب حقوق سیاسی اعلیحضرت نکرده است، چرا که ایشان هم نمیخواهد که خط قرمز سیاست آمریکا نسبت به اعلیحضرت نادیده گرفته شود.

خودشهرام همایون بیش از هر کس از دامنه وسیع و حساس اجرای طرح هنری پرشت آگاه است؛ آیا یکبار اشاره ای حتی سربسته به آن کرده است، البته که خیر زیرا رعایت خط قرمز آمریکاست.

سازمان سرباز و سرهنگ وزین

مدتی سازمان سربازو آقای سرهنگ وزین برنامه ای را دنبال میکردند که علیاحضرت فرح پهلوی درنقش صدارت رهبری را عهده دارشوند، غافل ازاینکه علیاحضرت همانند همه خاندان پهلوی ازمشمولین طرح هری پرشت هستند یعنی حق مبارزه سیاسی برای حفظ تداوم سلطنت را ندارند.

۸- اشارات بالا که مختصرازبسیاراست واجد این گواهی است که:

****** اساسا برنامه اجراشده ازسوی احمد قریشی علیرغم اینکه درتائید طرح هنری پرشت بوده ولی میتوان گفت که حاصل یک تبتانی بین احمد قریشی واحمد مدنی وروزنامه کیهان لندن بوده است، و این یکی از موضوعاتی است که کم وکیف آن جای تحقیق ورسیدگی دارد که بالطبع آقای سرهنگ اویسی و افرادی که درجریان امر بوده میتوانند به کشف حقیقت کمک کنند. فراموش نکنیم که تنها کسی که ازسوی اعلیحضرت برای تصدی دبیرخانه فرمان داشت آقای هلاکو رامبد؛ بود و آقای قریشی اصلا ازجانب اعلیحضرت فرمان ویا حکمی برای تصدی دبیرخانه نداشت برعکس درشناسنامه سیاسی او میخوانیم که از رابطین مورد اعتماد سفارت آمریکا درتهران است. (اسناد سفارت).

****** آیا چنین شخصی (احمد قریشی) با آن سابقه مدد کاری درجائداختن سیاست آمریکا درایران میتوانست در آن روزهای حساس، برجایگاه دبیری دبیرخانه تکیه بزند، آری مگر فروغی با آن مقام و موقعیت سیاسی بشرحی که درتحریرقسمت چهارم آمده وکسی بود که طرف مشورت با شخص هنری پرشت برای طرح تحریم سیاسی اعلیحضرت قرارداداشت، در مقام ریاست دبیرخانه قرارنگرفت که مسیراجرای طرح هنری پرشت را هموار ساخت.

احمد قریشی بعداز آن خیانت به ولینعمت وخدمت به وزارت خارجه آمریکا غیبت زد و اساسا این افراد برای استفاده ازهمین مواقع، حمایت وبعنوان رابط مورد اعتماد معرفی میشوند.

اقوی دلیل

****** اقوی دلیل درموردبی اعتباری نقل قول ازاحمد قریشی، آنجاست که اعلیحضرت از قبل ازتبتانی مزبور حتی تاسالهای اخیر به کرات ازموضع ومقام پادشاهی خودشان اشاراتی چه صریح ویا ضمنی داشته اند که با جمع بندی بنده به حدود ۳۴ مورد رسیده است ، ومیتوان با اطمینان خاطرگفت اگر اعلام احمد قریشی درراستای تصمیم واراده آزاد اعلیحضرت بود، قطعا اعلیحضرت دربیان موضع پادشاهی خودشان احتیاط میفرمودند وصراحت های متعدد دربیانات ایشان دایر به تداوم سلطنت وموضع پادشاهی خودشان بمنصه ظهورنمیرسید.

احساسی شرم

این تحریر دربسترانصاف قرارنمیگیرد، اگرنویسنده آن اقرار و اعتراف نکند که سلطنت طلبان دین تاریخی و اخلاقی خودرانسبت به تداوم سلطنت وشخص پادشاه ادا نکردند وکاری که درخورشان ومقام وموضع

تحریم سیاسی اعلیحضرت و خانواده ایشان بود از خود نشان ندادند، و در مقابل تصمیم وزارت خارجه آمریکا که آن تصمیم فاقد مبانی حقوقی مستتر در حقوق اداری آمریکا و ضوابط حقوقی حقوق بین الملل است اقدام بسزائی ننمودند.

نمیدانم سلطنت طلبان، سهمیم در این شرم عمومی را میپذیرند یا خیر ولی بنده با سرافکنندگی تمام آنرا میپذیرم و درک این ننگ را نمیتوانم از خود دور کنم که ملامت ایران بنحوی در حمایت و هدایت و کمک بیگانه علیه هویت ملی ما و تداوم آن برخاستند و ما مخالفان ملامت ایران در خارج از کشور به دور از تهدیدات جمهوری اسلامی و با داشتن آزادیهای سیاسی در کنار آلودگی به افکار و مردان ایرانی عامل آمریکا فرزندگی تاریخی تداوم ۲۵۰۰ ساله سلطنت ایران را ناظر بودیم و آخی نگفتیم.

تشبیه برای نتیجه گیری

موقعیت ما سلطنت طلبان در مقابل تحریم سیاسی اعلیحضرت و تحمیل عدم قبول انتقال سلطنت و تداوم آن همانند تشبیهی است که اکنون در طبق اخلاص تقدیم میگردد:

فرض کنید که شما نوعی، متصرف ملکی هستید از آباء اجدادتان بشما رسیده (تشبیه سلطنت) یک شخص زورگو و برخلاف قانون و حق ادعا میکند که شما حق استفاده از آن ملک اجدادی را ندارید (طرح هنری پرشت) شما مقاومت میکنید و به اظهارات او اهمیتی نمیدهید (رفتار اعلیحضرت) پس از سالها یک کسی که با شما آشنائی دارد؛ بدون داشتن نمایندگی و وکالت به نزد یکی از دوستان آن مرد زور گو میرود (احمد قریشی) و میگوید <شما به آن ملک، ادعائی ندارید>. این خبر در جراید منتشر میشود و شما که مالک ملک هستید و یاران و همسایگان شما که میدانند که آن ملک حق شماست سالهای سال به آن تجاوز و زورگویی (طرح هنری پرشت) هیچ اعتراضی نمیکنند و سی و چند سال از این جریان تجاوز میگذرد و یک روز امکاناتی فراهم میشود که میشود از شر مزاحمت های آن زور گو خلاص شد، آیا تصور میکنید که آن روز احتمالی، استقرار بر اریکه سلطنت بر اساس تداوم سلطنت و قانون اساسی مشروطیت ممکن است یا آنروز سلطنت طلبان با اعتراضات حقوقی که در صدر آنها سکوت و تطبیق مورد با اعراض است مواجه خواهند شد؟

بنده نمیخواهم و در صلاحیت کار سیاسی نیست که بخشهایی از آن سنگهای عظیمی که در مقابل حقانیت تداوم سلطنت در آن زمان بکار گرفته خواهد شد از هم اکنون از آن بازدید کند، ولی این تکلیف را در مقابل خود میبینم که سلطنت طلبان را به آینده بسیار سختی که در معابر حقوقی استقرار سلطنت به مناسبت این سربهوایی و بی اهمیت دانستن اثرات حقوقی طرح هنری پرشت در مقابل آنهاست آگاه سازم.

فقط یک کانون مقاومت بود

استراتژی اعلیحضرت در مقابل طرح هنری پرشت دور زدن تحریم سیاسی ایشان بود که در فرصت آتی باتفاق به آن نگاه میکنیم.